

زنان اهدایی

« ام شریک دوسیه » زن بیستم محمد بود. او یکی از چهار زنی است که خویشان را به پیغمبر بخشیده است. چه غیر از زنان عقدی که ازدواج با آنها مستلزم تشریفات چون مهر و حضور گواه و رضایت ولی است و غیر از بردگان که در صورت داشتن شوهر کافر یا مشرک بر مسلمانان حلال هستند، در حرمرای محمد طبقه دیگری نیز از زنان وجود داشت و آنان زناتی بودند که خویشان را به محمد هبه (بخشیدن) میکردند.

ام شریک نیز خود را به محمد هبه کرده است. (سه زن دیگر میمونه، زینب، و خوله نیز خود را هبه کرده بودند). هبه کردن این زنان به محمد، عایشه را آشفته کرد زیرا ام شریک زیبا بود و محمد بی درنگ این تقدیمی را پذیرفته بود. می گویند از فرط رشک عایشه گفته است: « نمی دانم زنی که خویشان را به مردی تقدیم کند چه ارزشی دارد؟ » و از این رو است که قسمت اخیر آیه ۵۰، سوره احزاب نازل شد که تایید و تصوی عمل ام شریک و قبول محمد است:

سوره احزاب (۳۳) آیه ۵۰

ای پیغمبر ما زناتی را که مهرشان را ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه و دختران دایی و دختران خاله آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مومنه ای که خود را به رسول بی شرط و مهر ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد، که این حکم مخصوص تست و نه مومنان که ما حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی مومنان را (قبلا چهار زن) بعلم خود بیان کردیم، این زنان را همه بر تو حلال کردیم بدین سبب بود که بر وجود (عزیز) تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد.....

در قسمت اول این آیه الله بر محمد حلال میکند تمام زنان و کنیزانی را که به غنیمت نصیب شده و چون الله قبلا غنیمت گرفتن هر زنی را برای مسلمانان حلال کرده پس این زنان میتوانند زنان شوهردار یا بی شوهر و غیره هم باشند. همینطور که میدانید در موقع فرار محمد از مکه به مدینه دشتهای از مردم مکه با محمد فرار کردند و با او پیوند یاری بستند. اینجا الله دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله این گروه را هم بر محمد حلال میکند.

الله گرفتن هر زنی را برای محمد آزاد کرده و این حکم فقط مخصوص محمد است و نه کس دیگری و آن هم به خاطر عزیز محمد است که در موقع کمبود زن به ایشان سخت نگذرد. همینطور که میدانیم قانون ازدواج باقی مردم را الله قبلا تعیین کرده است و آن هم چهار زن است.

زنان مومنه ای که خودشان را بی قید و بند به محمد ببخشند، برای محمد حلال شده اند. عایشه چون چنین دید گستاخانه به محمد گفت: « انی اری ربک یسارع فی هواک » یعنی می بینم خدایت به انجام خواهشهای نفسانی تو میشتابد.

آن وقت برای تنبیه عایشه، آیه ۵۱ سوره احزاب نازل شد:

سوره احزاب (۳۳) آیه ۵۱

تو ای رسول هر یک از زنان را که خواهی از نوبتش موخر دار و هر را که خواهی به خود بپذیر و هم آنرا که (بقهر) از خود راندی اگرش (بمهر) خواندی باز بر تو باکی نیست، (این مختار مطلق بودن بر زنان) بهتر شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز هیچیک باید محزون نباشند بلکه به آنچه ایشان را عطا کردی همیشه خشنود باشند.....

پس از این ضربه محکمی که محمد به زنان زده، برای تسکین روحیه آنها آیه ۵۲ را نازل میکند، که در حقیقت آن را می توان نوعی ایجاد خشنودی شمرد.

سوره احزاب (۳۳) آیه ۵۲

ای رسول بعد از این (زنان) دیگر، نه عقد هیچ زن بر تو حلال است و نه مبدل کردن این زنان به دیگر زنان، هر چند از حسنش به شگفت آیی و بسیار در نظرت زیبا آید مگر که کنیزی مالک شوی و الله بر همه چیز مراقب و نگهبان است.

باید یادآوری کرد که کنیز در اسلام زنی بدست آمده در جنگ است و یا اسیری خریداری شده از دیگران. گفته الله به محمد به این معنی است که این تعداد زنان برای تو کافی است و برای تو حلال نیست اگر زن دیگری را عقد کنی و نمیتوانی زنان را زن دیگر عوض کنی که در آن زمان رسمی بود بین تازیان که مردان میتوانند زنهای خود را با هم عوض کنند. الله این کار را هم برای پیغمبر حرام کرد، هر چند که آن زن بسیار خوش رو باشد. ولی در آخر راه فراری برای محمد باز میگذارد و میگوید، مگر اینکه کنیزی مالک شوی، در این صورت مانعی ندارد.

در حقیقت، این آیه بیشتر به نفع محمد بوده تا زناش، چون ازدواجهای عقدی جز مشکلات و تشریفات چیزی در بر نداشته اند، مشکلاتی چون مهریه و حضور گواه و رضایت ولی و غیره.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/women/>

derafsh-kaviyani.com